



# جبهه واحد ضد دیکتاتوری

و

# دار و دسته حزب توده

از انتشارات: سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خرداد ۱۳۵۷

## جبهه واحد ضد دیکتاتوری

و

دارودسته حزب توده

جنبش انقلابی خلقهای ایران تاریخ پرفراز  
و نشیبی را پشت سر دارد . این برای ما بیانگر  
تمامی آن تلاش پیگیری است که توده های زحمتکش  
و ستمدیده ، بخاطر تحقق بخشیدن به آرمانهای  
بشریت پیشرو ( آرمان زحمتکشان تمامی عالم )  
قربانیها و رنجهای بی حدی را در پای آن نثار  
کرده است . اما هر تلاش خلق ما در گذشته به  
تجربه ای شکست خورده انجامید و این شکستها  
مهر خیانت و عدم صداقت کسانی را داشت که بنام  
خلق در پی تحقق منافع تنگ نظرانه خود بودند ،  
آنها خلق را بیراه بردند و در لحظاتی که صداقت  
انقلابی بیشترین پیگیری و پایداری را می طلبید ،  
به سوراخهای خود خزیدند و در پایان بردگی  
و زندگی اسارت بار ، تبعید و زندان و شکنجه  
و میدانهای اعدام را به او تقدیم کردند . از خیانت  
بورژوازی تسلیم طلب در آستانه انقلاب مشروطه

تا خیانت‌های ۲۸ مرداد ۳۲. از آن تاریخ تا به امروز، در این میان خلق لحظات کوتاه قهرمانی فرزندان راستین خود را هیچگاه فراموش نمیکند و آنها را با خیانتکاران در هم نمیآمیزد. جنبش نوین انقلابی ایران، که از درون کوره رنجها و تلاشهای خلق ما، خونین برآمده است هنگامیکه به این سالهای از دست رفته و انبوه قربانیان و اسارت توده‌ها می‌نگرد و به تحلیل آن می‌نشیند، در حالیکه به مبارزه‌ای تا پای جان با دشمنان خلق برخاسته است، مواضع آن عناصر و گروههای فرصت طلب و بظاهر انقلابی را افشاء مینماید که با استفاده از شرایط جدید و بعد از ضربات سال ۵۵ رژیم به سازمانهای مسلح، بیه رازگویی علیه جنبش نوین برخاسته‌اند و در رأس آنها درودسته خیانت‌پیشه " کمیته مرکزی حزب توده " که اصرار بی‌حدی در ادامه خیانت و احیاء تئوری‌های ورشکسته و تحمیل مجدد آن به جنبش را دارند، قرار دارد. این افشاگری و مبارزه ایدئولوژیک در شرایط کنونی برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حالیکه ما اذعان داریم که خط مشی

جنبش نوین انقلابی تنها در پراتیک توده‌هاست که صحت خود را اثبات میکند و در این رابطه است که میتواند خود را بمثابة پیشاهنگ طبقه کارگر تثبیت نماید، اما با اوجگیری مبارزات اعتراضی توده‌ها علیه دیکتاتوری حاکم و وسعت یافتن مسائل جنبش در میان آنها که میتواند در گسترش صفوف پیشاهنگ انقلابی نقش بزرگی ایفاء نماید و شور و شوق انقلابی نیروهای جدیدی که بطرف مبارزه روی آورده‌اند و عدم آگاهی آنان از پراتیک گذشته جنبش و درسهای و تجربه‌های تلخ آن، همراه با ضعف پایه‌های تئوریک، خود زمینه‌ایست که میتواند به پخش سموم اپورتونیستی در میان آنها یاری رساند. از جهت دیگر، در سطح جنبش، ما با دوره‌ای از گسترش مبارزه ایدئولوژیک میان گروهها و سازمانها روبه‌رو هستیم. این مبارزه در شرایط پراکندگی نیروها و ضعف پیوندهای آنان با پراتیک انقلابی و طبقه کارگر میتواند به تشکل نیروهای انقلابی و سمتگیری آنها در جهت مشی انقلابی واحد زیانهای بزرگی بزند. ما اعتقاد داریم که مبارزه ایدئولوژیک باید از صورت بخشهای محفلی و برخورد های انتزاعی

روشنفکرانه و جدا از پراتیک خارج شده و در پیوند با پراتیک انقلابی و مبارزات توده‌ها، تبدیل به جریان وحدت بخش در درون جنبش انقلابی گردد. این نوشته پاسخی است به اپورتونیستهای کهنه کار "کمیته مرکزی حزب توده" که با طرح شعار جنبه واحد ضد دیکتاتوری، و جمهوری دموکراتیک بورژوائی ماهیت سازشکارانه و تحدید نظر طلبانه خود را بر ملا نمود و نشان میدهند که چگونه میتوان در زیر پوشش مارکسیسم بطرف بورژوازی خزید.

\*\*\*\*\*

دار و دسته کمیته مرکزی در طرح برنامه خود برای جنبش انقلابی میگویند که هدف استراتژیک جنبش انقلابی ایجاد دولتی از نوع ملی و دموکراتیک است، یعنی دولتی که حاکمیت خلق به رهبری طبقه کارگر را مستقر سازد و راه را برای نیل به سوسیالیسم هموار نماید. و برای رسیدن باین هدف (انقلاب ملی و دموکراتیک) باید رژیم پلیسی شاه را سرنگون نمود و دولتی از نوع جمهوری بورژوائی ایجاد کرد. چرا که... در شرایط کنونی کشور

ما باید نخست مراحل معینی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پایان رساند که در شرایط ما این مبارزه الزاماً شعار دفاع از دموکراسی بورژوائی را نیز در بر میگیرد (۱). برای نیل به این هدف (ایجاد جمهوری بورژوائی) باید جنبه وسیعی از تمامی نیروهای مخالف رژیم تشکیل گردد. این جنبه نه تنها نیروهای خلقی (کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی) را در بر میگیرد بلکه... در درون طبقات حاکمه ایران گروهها و عناصری وجود دارند که نظر، به اوضاع و احوال و تحول شرایط، میتوانند از این یا آن موضع ترقی خواهانه از این یا آن شعار ضد امپریالیستی! از این یا آن خواست دموکراتیک پشتیبانی نمایند... (۲) و یا بنظر ما در درون طبقات حاکمه کنونی هم اکنون نیروهای قابل توجهی را میتوان دید که هر یک با انگیزه معینی با ادامه رژیم کنونی مخالفت میورزند و حاضرند در صورت پیدا شدن دورنمایی امید بخش

(۱) حزب توده و مبارزه در راه دموکراسی، دنیاویژه

(۲) - برنامه حزب توده.

بر این راه همکاری نمایند. " ( ١ ) و بالاخره . . .  
 حزب توده ایران بعنوان حزب طبقه کارگر ایران طبیعا  
 ترجیح میدهد که جناح سالمتر و واقع بین تر هیئت  
 حاکمه زمام امور را بدست داشته باشد تا این قشر  
 فاسد فاشیسم گرائی که مصالح عالیه میهن را بخطر  
 انداخته است . از نظر ما این مسئله آنقدر مهم  
 است که میتوانیم این نوع انتقال قدرت را بیک شعار  
 تاکتیکی روز بدل کنیم . " ( ٢ ) .

هدف ما اینست که در درجه اول نشان دهیم  
 که در مکرسی بورژوائی و جمهوری در مکرانیک بورژوائی  
 در شرایط حاکمیت امپریالیستی در ایران یک شعار  
 تخیلی است ، در ثانی با توجه به ماهیت درود سته  
 کمیته مرکزی ، آنچه بمثابه شعار تاکتیکی از طرف  
 آنها طرح میشود ، چگونه بر روی هدف فهای  
 استراتژیک جنبش انقلابی خط میکشد ، و در عمل  
 رفرمیسم بورژوائی را هدف نهایی خود قرار میدهد .

( ١ ) - دنیا شماره ٧ ص ٢٠ - ١٣٥٤

( ٢ ) - حزب توده و مبارزه در راه در مکراسی  
 دنیا ویژه نامه ٥ .

جنبه واحد ضد د یکتاتوری  
 بمثابه شعاری تسلیم طلبانه !

شرط پاسخ به مسئله بالا بیان موضع ———  
 نسبت به چند مسئله عمده است:

الف - د وستان و دشمنان خلق

ب - جنبه خلق و ترکیب آن

ج - مرحله انقلاب .

الف - د وستان و دشمنان خلق

در هر جنبش ، تعیین د وستان و دشمنان  
 از اهمیت عمده ای برخوردار است ، این مسئله به  
 آنها نشان خواهد داد که در هر مرحله باید با چه  
 نیروهای برعلیه چه کسانی مبارزه کنند ؟ وضعیت  
 اقتصادی و اجتماعی جامعه موضع طبقات و اقشار  
 اجتماعی را نسبت به مبارزه مشخص میسازد .

در جامعه ما تحولات اجتماعی که با عصر انقلاب  
 مشروطه آغاز گشته بود ، در پروسه رشد خود در دهه  
 اخیر با حاکمیت بورژوازی کمپرادور به پایان رسید .

سرمایه داری انگلی وابسته به امپریالیسم ایران بمثابة طبقه حاکم از اقشار مختلف تشکیل یافته است که عبارتند از اقشار بوروکرات ، تجاری ، مالی ، صنعتی و کشاورزی. از لحاظ اصول اینها آن اردوی ارتجاعی را تشکیل میدهند که در مقابل جنبش انقلابی قرار گرفته و به نمایندگی از طرف امپریالیسم جهانی به سرکوب در منشا نه و غارت خلق پرداخته اند و آماج اصلی جنبش انقلابی را تشکیل میدهند. ویژگی اقتصادی جامعه ما در ارتباط با اقتصاد تک محصولی ( درآمد نفت ) نقشهای متفاوتی را بگروههای طبقه حاکم در سرکوب خلق بخشیده است ، درآمد نفت و توزیع مجدد آن میان امپریالیستها در جهت تقویت نقش بورژوازی بوروکرات در حاکمیت عمل میکند ، در شرایط کنونی عهد تا این قشر پاسدار منافع امپریالیسم و طبقه حاکمه است ، دیکتاتوری فردی شاه بیان آن نقش عهدی است که بورژوازی بوروکرات در سرکوب خلق عهد دارد است ، اما این مسئله به مفهوم آن نیست که اگر گروههای دیگر طبقه حاکم در سرکوب نقش عهد را داشتند ، مثلا مکراسی به شیوه بورژوازی

آن میتوانست وجود داشته باشد ، چرا که روبنای سیاسی سرمایه داری وابسته اساسا ، دیکتاتوریت و امپریالیسم در کشورهای زیر سلطه بدون اعمال دیکتاتوری نخواهد توانست به موجودیت خود ادامه دهد . خصلت دلال منشا نه بورژوازی کمپرادور ، ضعف بخش تولیدی ، در مقابل بخش اداری و بوروکرات ... و فساد چاره ناپذیر آن ، اعمال استثمار و گانه بر خلق آنچنان بر حدت تضاد های خلق و امپریالیسم و وابستگی آن افزوده است که هرگونه زمینه دموکراسی بسرعت در جهت بسیج نیروهای خلق علیه حاکمیت امپریالیستی عمل میکند . نتیجتا : " هرگونه اشتباه در مسئله ، هرگونه توقع بی جا از این سیستم بصورت گرایشهای سازشکارانه در جریان های سیاسی انعکاس می یابد ، آنها که منتظرند تا در ایران ضرورتا مکراسی بورژوازی حاکم شود و راه برای فعالیت سیاسی آزادانه باز شود ، بیهوده انتظار میکشند . این جریانها ، باید با پذیرفتن واقعیت سیاسی دیکتاتوری آنها خشن ترین شکل آن یعنی ، دیکتاتوری فردی شاه فعالانه در دگرگون ساختن شرایط موجود شرکت کنند " . ( ۱ )

( ۱ ) نبرد با دیکتاتوری

رفیق بیژن جزنی

همراه با رشد سرمایه داری وابسته و تأثیر آن بر پروسه نابودی و تضعیف بورژوازی ملی و خرد بورژوازی سنتی، اقشار جدیدی از خرد بورژوازی رشد یافته‌اند که بخشی از آنها بمثابه تکنوکراتها، بوروکراتهای اداری، نظامی و در بخش توزیع کالا های کمپرادوری .... حلقه اصلی مصرف کالا های کمپرادوری در جامعه را تشکیل می دهند .

آنها از لحاظ اجتماعی زائیده رشد مناسبات جدید و از نظر فرهنگی انعکاس تکه پاره های فرهنگ امپریالیستی می باشند و در شرایط حاضر آنها آن گروه چاکران را تشکیل می دهند که رژیم از آنها بمثابه مجری برنامه های ضد خلقی خود استفاده میکند . در میان آنها از نظر فرهنگی گرایشات لیبرال منشانه بچشم میخورد که عمدتاً تحت تأثیر فرهنگ مکرسی غرب می باشد و تضاد آنها با رژیم در منازعه میان دیکتاتوری فردی و گرایش به لیبرالیستی بیرنگ و بوی آنها تجسم می یابد ، این تضاد اساساً ، انعکاسی از تضاد های درونی طبقه حاکمه است ، اشتباه در این مسئله و قرار دادن آنها در صف نیروهای خلقی گرایشی راست روانه است . آنها برای گرفتن امتیازات بیشتر از رژیم

با سلاح لیبرالیسم چانه میزنند و در مقابل جنبش توده ها ، وحشت زده و هراسناک به رژیم پناه می برند و در خدمت آن قرار میگیرند .

تجربه شیلی بخوبی ماهیت این گروه را نشان داد آنها در مقابل جبهه خلق به دسیسه چینی و توطئه گری و خرابکاری پرداختند و سرانجام نیروهای دست راستی نظامی را در کودتای امپریالیستی پینوشه باری دادند و در خدمت کثیف ترین و ارتجاعی ترین دیکتاتوریها قرار گرفتند . اما اپورتونیستهای کمیته مرکزی عمداً همه چیز را در هم میامیزند و خواست های دموکراتیک توده ها را تا سطح چانه زدن های مبتذل درونی طبقه حاکم پائین می آورند : " در رون طبقات حاکمه ایران گروهها و عناصری وجود دارند که نظریه اوضاع و احوال و تحول شرایط میتوانند از این بیان موضع ترقیخواهانه از این یا آن شعار ضعیف امپریالیستی ، از این یا آن خواست دموکراتیک پشتیبان نمایند بهمین جهت حزب ما ، استفاده از تضاد ها و شکاف های داخل پایگاه اجتماعی رژیم را نیز مورد توجه قرار میدهد " ( ۱ ) فقط مسئله بر سر همین است . مورد توجه قرار میدهد ؛ مفهوم این کلمه برای ما

( ۱ ) . برنامه حزب توده

د ارتباط با شما قابل فهم است . از نظر ما این چیزی جز محدود کردن خواسته‌های دموکراتیک خلق د چارچوب تنگ و ارتجاعی اختلافات د رونی طبقهٔ حاکم نیست ، خواسته‌های دموکراتیک و شعارهای ضد امپریالیستی د شرایط ما معلوم نیست برای آنها چه معنی می‌دهد ؟ آیا این موضوع طبقاتی اپورتونیسم راست را نشان می‌دهد ؟ و اما آنچه که مربوط به نیروهای خلق است ، مارکسیست - لنینیست‌ها از موضع پرولتاریا حرکت میکنند . این اساسی است که بدون نقش رهبری کننده طبقه کارگر ، جنبش‌های رهائی بخش محتوی تاریخی خود را از دست خواهند داد و محکوم به رجا زدن و تسلسل باطل خواهند شد . " جنگ برای آزادی ملی ، استقلال و دموکراسی مردم کشورهای مستعمره و وابسته فقط هنگامی منجر به پیروزی تام میشود که جزء لاینفک انقلاب پرولتاریائی جهانی د ر انطباق با گرایش ضروری تکامل جامعه بشری د ر عصر کنونی

یعنی پیشروی بسوی سوسیالیسم باشد" ( ۱ ) این بخوبی نقش طبقه کارگر و ایدئولوژی پیشروان را د ر عصر حاضر بیان میکند . طبقه کارگر ایران که د ر سالهای اخیر همپای رشد سرمایه داری وابسته بصورت ارتش میلیونی د ر آمده است ، د ر شرایط اختناق د یکتاتوری امپریالیستی بمثابه حلقه اصلی تولید ، بار بیشترین استثمار و ستم د و گانه بردوش دارد . د ر حالیکه شکل عمده مبارزه طبقه کارگر د ر حال حاضر مبارزات صنفی است اما بدلیل موقعیت تاریخی خود و شرایط اجتماعی ایران ، آمادگی این را دارد که خیلی سریع جذب ایده های انقلابی گردد و هویت طبقاتی خود را بر جنبش انقلابی ایران ثبت کند . د ر جنبش‌های بخش ایران د هقانان فقیر و میانه حال آن نیروئی را تشکیل میدهند که د ر پیوستگی با طبقه کارگر ستون فقرات نیروهای خلقی را تشکیل خواهند داد .

خرده بورژوازی شهری د ارای سنتهای پیگیر مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک است . گستردگی این قشر د ر جامعه وجود سابقه تاریخی مبارزه و غارت و چپاول سرمایه امپریالیستی و د ر نتیجه تلاش‌های

( ۱ ) . انقلاب و بتنام - ( له دوان )



تولید سنتی ، آنها را هر روز بیشتر زیر فشار اقتصادی قرار داده است و در راه یکالیزه کردن مبارزات آنها نقش بازی میکند و زمینه را برای اتحاد نیروهای خلقی فراهم میآورد . بورژوازی ملی که در دوره های قبل در رأس نیروهای ملی ، خرده بورژوازی را در سازمان های خود متشکل نموده بود ، با از دست دادن قدرت اقتصادی خود بخش عمده آن در بورژوازی کمپرادور تحلیل رفته اما بقایای ضعیفی از آن به موجودیت خود ادامه میدهد و از نظر فرهنگی در اقشار بالایی خرده بورژوازی سنتی دارای نفوذ و اعتبار است و میکوشد خرده بورژوازی را بطرف خود جلب کند . بورژوازی ملی در شرایط حاضر بدلیل ضعف تاریخی خود در حالیکه در مقابل امپریالیسم قرار گرفته و دارای خواسته های موکراتیک است اما دیگر قادر نیست خرده بورژوازی را بدنبال خود داشته باشد . حال با مشخص شدن نیروهای خلق و ضد خلق میتوان به ترکیب جنبه و نهایتاً مرحله انقلاب پاسخ داد .

ب - جنبه خلق و ترکیب نیروهای آن :  
رفیق له وان میگوید " جنبه اتحاد متضاد هاست که شامل طبقات مختلفی است که در همبستگی با هم بر مبنای یک برنامه مبارزاتی مشترک مشخص هستند . بدین جهت است که نمیتوان تصور یک جنبه بدون طبقات را نمود . ضرورت یک خط مشی اصولی این است که باید تمام مسائل مربوط به خط مشی جنبه را با یک موضع طبقاتی دید و حل کرد . منافع انقلاب و ملت این ضرورت را ایجاب میکند که باید دائماً نقش رهبری حزب را در جنبه زیاد کرد و مستحکم نمود . کلید حفظ رهبری در جنبه تقویت مدام همبستگی کارگر - دهقان است . بدون وجود همبستگی کارگر - دهقان بمثابه شالوده مستحکم آن ، جنبه موکراتیک ملی اصیل نه تنها نمیتواند پایه اش را وسیع کند بلکه اصلاً نمیتواند وجود داشته باشد ( ۱ )"

چنین است موضع مارکسیست - لنینیستها نسبت به مسئله جنبه در کشورهای زیر سلطه . این یک امر بدیهی است و تنها اپورتونیستهای ما هستند که با بیان شعار دفاع از موکراسی

( ۱ ) - له وان - انقلاب ویتنام .

بورژوازی جبهه خلق را از ماهیت واقعی آن تهی میسازند و آنرا تبدیل به ابزار حاکمیت بورژوازی لیبرال مینمایند. این نشان دهند وحشت آنها از مبارزه انقلابی توده هاست. آنها دریا لکتیک حرکت تضادها را در عصر خود رک نمیکنند. برخورد آنها با تئوری انقلابی انتزاعی و یکجانبه است. آنها از عصر خود عقب مانده اند. در عصر حاکمیت امپریالیستی و ضعف تاریخی بورژوازی ملی تنها شکل عملی جبهه خلق چیزی حز اتحاد کارگران - دهقانان خرد ه بورژوازی و بورژوازی ملی نیست و دموکراسی در این شرایط تنها دموکراسی خلق است نه دموکراسی بورژوائی. و اما جبهه ها ضد دیکتاتوری اپورتونیستها با مسئله قدرت چه برخوردی دارد و با اتحاد کارگران - دهقانان - خرد ه بورژوازی و بورژوازی ملی و آن عناصری از طبقه حاکمه که موضع ترقی خوانانه دارند، و از شعارهای ضد امپریالیستی پشتیبانی میکنند، چه شیوه های از مبارزه را در جهت سرنگونی دیکتاتوری و تحقق جمهوری بورژوائی بکار خواهد گرفت؟ آنها باین مسئله پاسخ روشن نمیدهند. و میگویند که این بستگی به شرایط دارد. انقلاب اجتماعی به اقتضای اوضاع و

احوال میتواند از راههای مسلحانه و غیر مسلحانه انجام گیرد و بصورت اشکال گوناگون در آید (۲) و رفیق لنین چه خوب گفت که "مشکل است بتوان مچ اپورتونیستها را بوسیله فرمول گرفت وی به آسانی هر فرمولی را امضاء میکند و به آسانی هم عقب نشینی مینماید زیرا اپورتونیسم همانا فقدان اصول معین و ثابت است (۲) .

آن جبهه واحدی که با چنین ترکیب در او هم اپورتونیستها شکل بسته است چگونه میخواهد انرژی عصیان زده خلق ما را مهار کند و آنرا در مجرای خواستهای لیبرالیستی به مهار کشد. در این جا خلق در نطفه ای ترین اشکال تشکل خود هرگاه امکان می یابد در مقابل حاکمیت سرتاپا مسلح امپریالیستی، بطرف خشن ترین اشکال مبارزه روی میآورد. دید بورژوا منشانه اینها نسبت به توده ها جنبش را خلع سلاح نمود ه آنرا به مثابه گوسفندان سر بر اه روانه مسلخ لیبرالیسم بورژوائی میکند.

(۱) - برنامه حزب توده .

(۲) - چه باید کرد . لنین

استفاده از اشکال دموکراسی بورژوازی در شرایط حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور به چه مفهوم است؟ باقتضای اوضاع و احوال . . . . . میتواند از راههای مسلحانه و غیر مسلحانه انجام گیرد چه معنی میدهد؟ به این مسئله که در شرایط حاکمیت امپریالیسم نمیتواند دموکراسی بسبب بورژوازی آن وجود داشته باشد، اشاره کردیم. بیان این مسئله از طرف دارودسته کمیته مرکزی و برخورد آنها با گرفتن قدرت ارتباط ناگسستگی دارد و همه از یک رشته استدلالات رویزیونیستی سرچشمه میگیرد. آنها میگویند که شما مبارزه در راه دموکراسی را با مبارزه طبقاتی در تضاد می بینید و بعد اینکه دموکراسی بورژوازی در مقایسه با حکومت فردی پیشرفت بزرگی است، چون در این شرایط میتواند مبارزه توده ها گسترش یابد. این مشخص است که دموکراسی بورژوازی پیشرفته تر از دیکتاتوری فردی است و در شرایط آزاد یه پای دموکراسی مبارزه مردم میتواند ابعاد وسیع تری پیدا کند اما تکرار این مفاهیم جدا از شرایط مشخص جز انتزاع سازی چیز دیگری نیست. مسئله بر سر آن شکلهای واقعا عملی است که مبارزه میتواند در آن

جریان یابد. آیا امپریالیسم و طبقه حاکمه در مقابل جنبش خلق تن به عقب نشینی خواهند داد؟ آیا جنبش که در هر حرکت خود موجودیت سیستم را مورد پیشش قرار میدهد میتواند در چهارچوب مبارزات قانونی بورژوازی بماند، مگر ما در چه دورانی زندگی میکنیم، مگر تجربه تاریخی دهها جنبش رهایی بخش در مقابل ما قرار ندارد؟ در کدامیک از این جنبشها مارکسیست لنینیستها بخاطر تحقق دموکراسی بورژوازی مبارزه کرده اند؟ کوشش بی حد اپورتونیستها در استفاده غلط از آثار رفیق لنین و موضع گرفتن در پشت آن، آنها را از عمق ورطه ای که در آن فرو میروند نجات نخواهد داد. آنها سعی میکنند از انقلابی ترین ایدئولوژی ها موجود بی خاصیتی بتراشند که در خدمت گرایشات طبقاتی آنها قرار گیرد. آنها مدام این جملات را تکرار میکنند که لنین گفت: . . . . . باید از اشکال دموکراسی بورژوازی استفاده کرد باید از شیوه های علنی مبارزه استفاده نمود . . . . . برای اینکه طبقه کارگر بتواند به مبارزه خود گسترش بخشد باید از آزاد یهای سیاسی برخوردار باشد.

و این جمله من را آوردی که انقلاب میتواند هم مسلحانه و هم غیرمسلحانه باشد. ( بدیهی است که باید از شیوه های علنی مبارزه در هر شرایطی استفاده نمود ) . اما بتاريخ مراجعه کنید و این جملات را کنار هم بگذارید آنوقت درود سته کمیته مرکزی را در صف کائوتسکی ها و رویزیونیستهای معاصر خواهید یافت . به مسئله قدرت باز میگردیم . هر جنبش انقلابی وظیفه دارد که به مسئله شیوه بدست گرفتن قدرت پاسخی صریح و روشن بدهد بدون پاسخ باین مسئله جنبش در چار سردرگمی و فقدان استراتژی مشخص خواهد شد . اپورتونیستها از طرفی در مقابل تجربه مبارزه مسلحانه خلعها در مبارزه علیه امپریالیسم قرار گرفته اند و از جهت دیگر در مقابل ماهیت طبقاتی و گرایشات اساسی خود قرار میگیرند و در سطح جهانی در اردوی آن- احزاب اپورتونیستی که به سراشیب چاکری در مقابل بورژوازی و ارتداد رطلطیده اند قرار دارند ( ۱ ) . و از آن ( ۱ ) . گروهی از آنها اخیرا با نفی لنینیسم آخرین بازمانده تظاهر ایدئولوژیک وابستگی به مبارزه طبقه کارگر را بدور انداخته اند .

چاکه عامل طبقاتی نقش تعیین کننده را دارد ، در جواب به مسئله بدست گرفتن قدرت در چار تناقض گوئی میشوند و " میتواند باین شکل یا آن شکل " را از خود اختراع میکنند . در حالیکه حتی يك فاکت تاریخی هم برای اثبات گرایش خود نخواهند یافت . آیا طبقه محروم تا بحال توانسته است بدون اعمال قهر انقلابی قدرت را بدست گیرد : " لزوم تلقین منظم این اندیشه قهرآمیز به توده ها ، و همانا این اندیشه پایه تمام آموزش مارکس و انگلس است و گرایشهای سوسیال شوینیستی و کائوتسکیستی که اکنون تفوق یافته اند خیانتشان نسبت به آموزش مارکس و انگلس در آنجا بطور نمایان بروز میکند که طرفداران آنها این تبلیغ و ترویج را از یاد می برند " ( ۱ ) . رفیق لنین در شرایط تاریخی روسیه هنگامی صحبت از پارلمانتا- ریسم ، دموکراسی بورژوائی و مبارزه علنی مینمود که حزب بلشویک به این آموزش اساسی مارکسیسم عمیقاً مومن بود و مدام لزوم سرنگونی قهرآمیز دشمن طبقاتی را به توده ها یاد آور میشد و خود را برای تحقق بخشیدن ( ۱ ) . رفیق لنین ، دولت و انقلاب .

بدان آماده میکرد .

مارکس در این باره گفت " اگر امکان پیروزی پرولتاریا در انتخابات پارلمانی بورژوازی وجود داشته باشد بورژوازی جنگی براه خواهد انداخت که بمراتب از جنگ برده داران بیرحمانه تر است ."

ماهیت واقعی جبهه خلق را درک نکردن ، امید بستن به تناقضات دینوی صفوف دشمن ، انتظار در موکراسی بورژوازی در زیر حاکمیت امپریالیسم داشتن ، عدم برخورد صریح با مسئله قدرت دولتی و آنرا حواله شرایط دادن ، تأیید تزه های رویزیونیستی ، قلب ماهیت خواستهای موکراتیک توده ها و آنها را تا سطح خواستهای بورژوازی لیبرال تنزل دادن ، و بدون پیوند با طبقه کارگر و جنبش کارگری مدعیی حزب طبقه کارگر بودن ، " . . . . . تئوریسین های حزب پس از سی و شش سال تازه از خود سئوال میکنند . آیا طبقه ما را میخواند ؟ طبقه در چه موقعیتی است ؟ آیا امکان پیوند ما و طبقه وجود دارد و اگر وجود دارد شیوه های عملی آن کدام است " ( ۱ )

( ۱ ) - نوید - در برابر طبقه کارگر اهمال کرده ایم .

آنها در شرایطی که مبارزه مسلحانه خلقها در حدت بی سابقه ای یافته است ، در شرایط رشد نیروهای میلیتاریست در رن بلوک امپریالیستی ، صحبت از ازمیان رفتن ناگزیری تقدیر آمیز " جنگها " و منفرد شدن نیروها ارتجاعی و متجاوز در رن کشورهای سرمایه داری را ( ۱ ) بمیان میاورند و بدین ترتیب بدترین نوع پاسیفیسم خرد بورژوازی را به توده ها تحویل میدهند .

در حالیکه سرکوب قهرآمیز امپریالیستی پروسه عینی خود را در برابر آنها طی میکند ، چشمهای خود را می بندند و ابلهانه فریاد میزنند که : " انقلاب اجتماعی به اقتضای اوضاع و احوال میتواند از راههای مسلحانه و غیر مسلحانه انجام گیرد . . . . "

لیبرالهای ما محتاط تر از این هستند که تمام درهای سازش را بروی خود ببندند . انتظار آنها برای رسیدن لحظه مناسبی که سوراخی باز شود تا بتوان از آن هر چند با زحمت بدرون خزید قابل درک است . مسلما خلق در چها چوب آنها نخواهد گنجید .

لیبرالیسم بورژوازی را بدرون جبهه خلق راهی نیست . و اما بعد ، اگر اپورتونیستها خواستار حاکمیت جناح سالمتر ( ۱ ) و واقع بین تر طبقه حاکمه هستند

۳ - برنامه حزب توده

و حاضرند آنها تا حد يك شعار تاکتیکی ( و نهایتاً استراتژیک در عمل ) علم کنند . اگر آنها قبل از اینکه به سازماندهی نیروهای خلق بپردازند بدنبال متحدینی واقع بین و سالم درون طبقه حاکمه هستند و اگر وحدت وسیع ترین نیروهای ممکن بدرون بورژوازی لیبرال برای آنها مفهومی ندارد و سرانجام اگر تحقق عملی ایده های آنها در موکراسی بورژوائی زیر سلطه امپریالیسم است که شرایط کار علنی را فراهم میآورد آگاهی سیاسی توده ها را وسعت می بخشد ، ( و به آنها فرصت خواهد داد تا به سطح احزاب مرتد کمونیست در اروپای باختری برسند ) - ما تحقق عملی ایده اپورتونیستی جمهوری بورژوائی را در رابطه با مرحله انقلاب مورد تحلیل قرار میدهیم .

ح - مرحله انقلاب :

از نظر تئوریک در اینجا بیاد آن جدلی می افتیم که میان لنین و منشویکها بر سر اتخاذ تاکتیک واحد در ارتباط با انقلاب بورژوازموکراتیک در ( ۱ ) . پاورقی از صفحه قبل - دنیا شماره ۶ ۷ مه -

ماه ۵۴ .

گرفته بود . مسائلی که به بحث دامن میزد عبارت بودند از راه حل های عملی در مورد قیام مسلحانه و انهدام دولت تزاری ، ایجاد حکومت انقلابی موقت و شرکت سوسیال دموکراسی در این حکومت و مناسبات با دهقانان و بورژوازی لیبرال . بحث بر سر این مسائل به اختلافات تاکتیکی میان بلشویکها و منشویکها دامن زد . بلشویکها با تکیه بر ماهیت انقلاب روس و جنبه دموکراسی بورژوائی آن ، تأکید میکردند که پرولتاریا به پیروزی این انقلاب بیش از همه علاقمند است . زیرا این پیروزی به پرولتاریا فرصت میدهد تا متشکل شود و از لحاظ سیاسی رشد کند و از انقلاب بورژوازی بسوی انقلاب سوسیالیستی گام بردارد . از این تاکتیک پرولتاریا تنها دهقانان هستند که میتوانند پشتیبانی کنند . رفیق لنین تأکید میکرد که بورژوازی لیبرال در پیروزمندی کامل این انقلاب زینفع نیست زیرا وی به زمامداری تزار بمثابه تازیانه ای بر علیه کارگران و دهقانان احتیاج دارد . بورژوازی لیبرال سعی دارد با اندکی محدودیت دولت تزاری را نگهدارد . لنین تأکید میکرد این انقلاب تنها در صورتی پیروز خواهد شد که طبقه کارگر

د ر رأس آن قرار داشته باشد: "در همان حال که بورژوازی د موکرات د باره مسئله سرنگون ساختن حکومت تزاری سکوت اختیار مینماید، ما باید آنرا در رجه اول اهمیت قرار داده و در مورد لزوم تشکیل حکومت انقلابی موقت اصرار ورزیم . . . از لحاظ چگونگی منشاء و خصلت اساسی خود این حکومت باید ارگان قیام مردم باشد" (۱) .

این حکومت می بایست عناصر ضد انقلابی را ریشه کن نموده و مجلس مؤسسان متشکل از تمام خلق را دعوت نماید . اما منشویکها با تکیه بر ماهیت بورژوازی انقلاب هژمونی طبقه کارگر را در آن انکار کرده و سرکردگی را به بورژوازی لیبرال می سپردند و از پرولتاریا میخواستند که با بورژوازی لیبرال نزدیک گردند نه با دهقانان ، آنها میگفتند که نباید بورژوازی لیبرال را از انقلاب ترساند . آنچه در این بحثها از طرف بلشویکها مورد تأکید قرار میگرفت ، همبستگی پرولتاریا با دهقانان ، اعمال رهبری طبقه کارگر و خارج نمودن این رهبری از دست بورژوازی لیبرال و تأکید بر اینکه

(۱) . د وتاكتيك سوسیال د موکراسی . لنین .

چنین حکومتی تنها باید ارگان قیام باشد . لنین تاکتیک منشویکها را که میگفتند این تاکتیک بورژوازی را از انقلاب رویگردان میکند و بدینسان به گسترش آن لطمه میزند را ، تاکتیک خیانت و تاکتیک تبدیل طبقه کارگر به زائده ناچیزی از طبقات بورژوازی نامید . و میگفت گسترش دامنه انقلاب در وحدت کارگران و دهقانان است .

"باید به چنان قوای تکیه کرد که عدم ثبات بورژوازی را افشاء نماید یعنی قادر باشد بورژوازی را مجبور کند از انقلاب روگردان شود" . (۱) تاکتیک بلشویکها با آنچه تا بحال در انقلاب بورژوازی معمول بود تفاوت کیفی داشت . در اینجا پرولتاریا نیروی رهبری کننده بود و بورژوازی کنار گذاشته میشد و مهمترین وسیله سرنگونی تزاریسم و بدست آوردن جمهوری د موکراسی به گفته لنین قیام مسلح ظفربخش توده ای بود" . (۲) . . . .

حکومت موقت انقلابی باید نه اینکه يك حکومت عادی بلکه حکومت د یکتاتوری طبقات پیروزمند یعنی

(۱) - د وتاكتيك سوسیال د موکراسی . لنین .

(۲) . تاریخ بلشویک .

کارگران و دهقانان باشد. شرط شرکت سوسیال دموکراسی در چنین حکومتی حفظ استقلال و آشتی ناپذیری با احزاب بورژوازیست.

"دارودسته کمیته مرکزی" در حالیکه در نوشته های خود به آثار رفیق لنین در باره جمهوری بورژوازی استناد میکنند عمداً آموزشهای اساسی آنرا فراموش میکنند، آنها فراموش میکنند که شرط پیروزی جمهوری بورژوازی که در پایان آن طبقه قادر باشد به هدف استراتژیک خود تحقق بخشد اعمال رهبری طبقه کارگر بر اساس اتحاد محکم با دهقانان، عدم سازش با بورژوازی لیبرال و اعمال دیکتاتوری توده ای و اینکه گسترش انقلاب نه در راه بطنه با شرکت بورژوازی لیبرال در آن بلکه تنها در گسترش آن میان دهقانان قابل وصول است و نهایتاً اینکه طبقه کارگر برای رسیدن به هدف های خود باید به توده های مسلح تکیه کند. و چنین حکومتی تنها میتواند ارگان قیام مسلح توده ها باشد. در این صورت دیگر صحت از عناصر واقع بین طبقه حاکمه که مخالف رژیم استبدادی شاه اند نمیتواند در میان باشد. چنین حاکمیتی مسلماً دیگر ارگان دیکتاتوری طبقات پیروزمند کارگران - دهقانان

و ارگان قیام مسلحانه آنان نخواهد بود. چون بورژوازی لیبرال خواهد رمید، نباید به بورژوازی لیبرال بهانه ای داد که از انقلاب روگردان شود. زیرا انقلاب سست میگردد. "تنها پس از برقراری جمهوری بورژوازی است که طبقه کارگر باید مبارزه خود را گسترش بخشد و عقب مانده ترین اقشار را بسوی خود جلب نماید."

اساساً معلوم نیست که این جمهوری خیالی چگونه بوجود میآید. نظام شاهنشاهی! چگونه سرنگون خواهد شد؟ شاید دیکتاتور خود را و طلبان آن را برچیند! و یا فشار سیاسی، امپریالیسم را وارد به تغییر سلطنت کند؟ هرچه هست منشویکهای ما صحبتی از آن نخواهند کرد، چون بورژوازی لیبرال میرسد. منشویکهای ما خود در ۲۸ مرداد دیدند که چگونه امپریالیسم علیرغم فشارهای جنبش و تضاد های درونی طبقه حاکم و تضعیف موقعیت سلطنت همچنان از حاکمیت دیکتاتوری دفاع نمود و این مسئله پس از آنهم در آستانه فرم تکرار شد. امپریالیسم از موجودی رژیم های دیکتاتوری، علیرغم نارضائی برخی جناحها طبقات حاکم، در مقابل جنبش ضد امپریالیستی



خلقها دفاع میکند و فشاری که گاه بر آنها وارد میکند ماهیت تاکتیکی دارد . وجود دیکتاتوریهایی فردی در آمریکای لاتین ، اندونزی فیلیپین ، کره جنوبی ، تایلند و . . . . در موارد دیگر که دیکتاتوری شکل جمعی دارد ( که در ماهیت امر برای خلق تفاوتی ندارد ) گویای این امر است .

بهر صورت باید قبل از هر چیز باین مسئله پاسخ گفت که سلطنت را چگونه میتوان برانداخت . اگر قبول داریم که تنها مبارزه مسلحانه میتواند به آن تحقق بخشد ، دیگر چه جایی برای بورژوازی لیبرال خواهد ماند . مبارزه مسلحانه بمثابه عالیترین شکل حل تضاد ، بیانگر راه دموکراتیک ترین نیروهاست و تنها رهبری نیروهای دموکراتیک در آن است که میتواند آنرا به انجام رساند . اگر غیر این است یا باید معتقد به کودتا شد و یا معجزه ای که شایسته است همچون گذشته ، اپورتونیستها همچنان در انتظار آن باقی بمانند .

اما از نظر تاریخی ، شرایطی که در آن قرار داریم ، جنبشهای رهائی بخش را در چه مرحله ای قرار داده است ، وظیفه عمومی این جنبشها کدام

است . تجربه انقلاب خلق چین و ویتنام پاسخ روشن میدهند .

در تظاهرات پلنوم سیاسی حزب کمونیست هند و چین که توسط رفیق " تران فو " تدوین شده ، آمده است که : " در دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری ، و بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در اتحاد شوروی ، انقلاب ویتنام بخش تفکیک ناپذیر انقلاب جهانی پرولتری میباشد ، این انقلاب میبایستی در مرحله را پشت سر گذارد ، که مرحله اول آن عبارت بود از انقلاب بورژوا-دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر در جهت سرنگونی امپریالیسم و فتودالیستها-بخاطر کسب استقلال ملی و واگذاری زمین به کسانی که روی آن کار میکنند . . . . کارگران ، دهقانان نیروی عمده میباشند ، حیزب باید به اتحاد کارگران و دهقانان تحقق بخشیده به ابزار قهر انقلابی توده ها متوسل شده تا بالاخره قیام برای احراز قدرت را برپا نماید . بعد از اینکه این وظایف بطور عمده تحقق یافت انقلاب وارد مرحله دوم خود میشود که عبارت است از سبوق بلافاصله ویتنام بسوی سوسیالیسم بدون گذار از

مرحله سرمایه داری . شرط اصلی پیروزی و جود حزب کمونیستی است که اساس ایدئولوژیک آن مارکسیسم لنینیسم باشد . . . . . تزه‌های سیاسی حزب داری - اهمیت تاریخی می‌باشد . طبقه کارگر و خلق ویتنام برای اولین بار داری برنامه‌ای برای انقلاب بورژوا دموکراتیک طراز نوین بود . " ( ۱ ) .

دقیقا در چنین دوران ، در عصر ورشکستگی و افلاس هر چه عمیقتر سیستم امپریالیستی ، در دوران پس از پیروزی خلق ویتنام شعارهای عقب مانده‌ای مانند جمهوری بورژوائی جز انحراف از مسیر اساسیترین منافع خلق چیز دیگری نیست . شکل جدیدی از - پاسیفیسم و فرمیسم بورژوائی است که با انقلاب توده‌ها به منازعه برخاسته است و در میان صفوف آنها تخم نفاق و پراکندگی می‌نشانند . جنبش‌رهای بخش ما تحت رهبری طبقه کارگر هدفی جز نابودی امپریالیسم و نوکرانش نمیتواند داشته باشد . این ناگزیر مبارزه ایست مسلحانه که در پایان آن انقلاب دموکراتیک طراز نوین خلق ما تحقق می‌یابد و راه را - برای تحول به سوسیالیسم هموار خواهد نمود . در

( ۱ ) . تاریخ مختصر حزب زحمتکشان ویتنام

ویتنام چنین بود ، در این جا هم چنین خواهد شد . این يك پروسه عام در جنبش‌رهای بخش در عصر ماست .

شعار مبارزه برای رسیدن به دموکراسی بورژوائی يك عقب‌گرد تاریخی است . این شعار ماهیت بورژوازی وابسته را درك نمی‌کند و آنرا تا حد بورژوازی کلاسیک ارتقاء میدهد . از حاکمیت امپریا - لیسم برداشتی مکانیکی و سطحی دارد و نقش ارگانیک آنرا در کشورهای زیر سلطه نمی‌فهمد . طرح این شعار با کیفیتی که در او بسته کمیته مرکزی مطرح میکند حتی در شرایط روسیه تزاری هم که بورژوازی آن داری هویت مشخص بود و بخش‌های تولیدی نیرومندی داشت و در عصر خود انقلاب صنعتی را پشت سر نهاده و حتی تا مرحله امپریالیسم رسیده بود ، در مقایسه با آنچه که رفیق لنین از دموکراسی بورژوائی در روسیه بیان میکند هم يك گام عقب است . چه رسد به اینکه خواسته باشد واقعیت‌های عصر ما انطباق یابد . شعار جمهوری بورژوائی تنها میتواند در خدمت امپریالیسم قرار گیرد و تبلیغ انحلال طلبی در جنبش خلق باشد .

اما بعد ، از چندی قبل ، در ارتباط با تاکتیکهای مزورانه امپریالیسم آمریکا که از منافع استراتژیک آن در شرایط کنونی برمیخیزد ، همراه با جارو جنجال حقوق بشر ، و بدنبال آن شل کردن برخی از بندها در زمینه هائی بسیار محدود ، دل از اپورتونیستهای ما ربوده است . شرایط مطلوبی ! که به آنها امکان میدهد تا بار دیگر قافیه بافی خود را از سرگیرند . در چنین اوضاع و احوالی خلق ما با نشان دادن عمق نفرت خود به رژیم با مشتهای گره کرده به تمامی مظاهر رژیم یورش برده و صلح اجتماعی اپورتونیستها را برای کار آرام سیاسی و مسالمت جویانه نقش بر آب میکند ، در شرایطیکه رژیم در مقابل هرگونه حرکت جز کلوله پاسخی ندارد ، رفرمیستهای ما برای نشان دادن عمق دره ای که آنها را از خلق جدا میسازد به جنبش خلق اتهام میزنند و آنها را به اراند و اوباش\* و در جای دیگر به مائوئیستهای تفرقه افکن نسبت میدهند و از مردم میخواهند که در کمال نظم و آرامش ، حقوق حقه خود را از نوکران امپریالیسم گدائی کنند . این برخورد ما را بار دیگر بیاد خرداد ۲۴ میاندازد که

\*- نوید فوق العاده سه شنبه ۹ اسفند ۵۶ .

چگونه جنبش توده ها را اپورتونیستهای کمیته مرکزی تخطئه کردند و نشان میدهند که آنها هیچگاه چیزی نخواهند آموخت . گویشتهای ما را تنها گور معالجه خواهد کرد و قهر انقلابی توده ها آنها را تدارک میبیند . چنین است موضع ما در قبال شعار جبهه واحد ضد دیکتاتوری و جمهوری دموکراتیک بورژوازی کمیته مرکزی .

در پایان خلاصه میکنیم : با توجه به آنچه بیان کردیم اعتقاد داریم که جنبش انقلابی ایران بخش تفکیک ناپذیری از جنبش رهایی بخش خلق هاست که با هدف سرنگونی امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور ، با تکیه بر مبارزه مسلحانه تمامی نیروهای خلق را در یک جبهه واحد ، متشکل می نماید .

جبهه خلق از کارگران - دهقانان و خرده بورژوازی و بورژوازی ملی بوجود میاید . جنبش ما در مرحله انقلاب دموکراتیک نوین قرار دارد . وحدت پرولتاریا با زحمتکشان روستا ، پایه اساسی جبهه خلق را تشکیل میدهد ، بدون آن مبارزه علیه امپریالیسم و تحقق انقلاب دموکراتیک و بنای سوسیالیسم امکان پذیر نخواهد گشت . شعار استراتژیک

با در مرحله فعلی سرنگون ساختن د یکتاتوری فردی شاه است . چون د یکتاتوری شاه بمثابة چماق امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور در سرکوب خلق نقش عمده را بازی میکند و مبارزه با د و وجه دیگر از طریق مبارزه با د یکتاتوری فردی میسر است .

چون نظام شاهنشاهی و د یکتاتوری شاه با حاکمیت امپریالیستها و سرمایه داری کمپرادور وحدت ارگانیک دارد . در پروسه مبارزه با این عامل است که تضاد اساسی بصورت عمده در میاید .

اما امروز کسانی وجود دارند ، که حمله به د اردو دسته کمیته مرکزی ( بمثابة سردمدار اپورتونیسیم ) را تبدیل به شمایی نموده و در پشت آن علیه ما موضع گرفته اند . آنها امروز با مجموعه ای از طرحها و برنامه ها ( که مدام به نتایج جدید و متناقضی قبل دست می یابد ) و راه حل های قاطع ! که در نتیجه تفحصات مشعشع آنها در تئوری انقلابی است در مقابل جنبش مسلحانه ظاهر گشته و در مقابل خلاقیت تئوریک خود همه را مبهور ساخته اند ! آنها در حالیکه تا دیروز در چهار چوب تنگ نقطه نظرهای التقاطی اسیر بودند ، امروز در عرصه تئوری انقلابی خود را مارکسیست -

لنینیستهای کبیری احساس میکنند که با بدست گرفتن ذره بین طبقاتی پرولتاریا تمامی جریانها را با طبقاتی ترین معیارها محک میزنند ! خلاقیت و سرعت عمل آنها در جهت یابی صحیح برای ما قابل تحسین است ! کاش آنها " چه باید کرد ؟ " را زودتر مطالعه میکردند تا جنبش مسلحانه از اینهمه گمراهی و بیماری کودکی زودتر نجات می یافت ! ماهیت موضع گیری آنها قبل از آنکه بیانگر تضاد های ایدئولوژیکی درون جنبش باشد ناشی از گروه گرایی ، غرور خرد بورژوائی و سلطه جوئی تنگ نظرانه آنهاست که بیان تئوریک یافته است ، بدین صورت که آنها محتوای شعار ضد د یکتاتوری ما را تا حد شعاع جبهه واحد د اردو دسته کمیته مرکزی تنزل داده و آنها را در کنار هم قرار میدهند . بدین آنکه به کیفیت متفاوت شعارها و د جریان سیاسی ، توجه داشته باشند . با توجه به ماهیت جنبش توده ای ، بورژوازی لیبرال هیچگاه تضادش با رژیم از مرحله چانه زدن بر سر امتیازاتی محدود فراتر نخواهد رفت و هرگز در مقابل رژیم به جنبش توده ای نزدیک نخواهد شد . فقط این " د اردو دسته کمیته مرکزی " هستند که با طرح

شعار حاکمیت جناح سالمتر و واقع بین تری از طبقه حاکمه ، تا حد جاسوسان بورژوازی لیبرال تنزل یافته اند . با توجه به ویژگیهای سلطنت و دیکتاتوری فردی ، اینجا مسئله برسر جایگزین شدن جناحی با جناح دیگر و یا تبدیل دیکتاتوری فردی به دیکتاتوری جمعی نیست بلکه " از آنجا که در حال حاضر سلطه و استثمار خارجی بطور غیر مستقیم یعنی از طریق رژیم و سرمایه های وابسته عمل میکند ، ما با یک تجاوز مستقیم امپریالیستی روبرو نیستیم و از آنجا که رژیم ( دیکتاتوری شاه ) تمام تریونمها و اهرمهای قدرت را در دست دارد مبارزه با ارتجاع داخلی تنها از راه مبارزه با رژیم ممکن است . در این شرایط عمده ترین مسئله که سد راه جنبش رهایی بخش شده است دیکتاتوری شاه میباشد " ( ۱ ) . بدین دلیل شعار مرحله جنبش مسلحانه مرگ بر شاه دیکتاتور و حامیان امپریالیستش میباشد .

در اینجا دیگر بورژوازی لیبرال را در صفوف جنبش رهایی بخش جایی نیست . آنها که این روش شعار کیفیتا متفاوت را در هم می آمیزند ، نشان میدهند که ( ۱ ) - نبرد با دیکتاتوری رفیق بیژن جزنی .

از تئوری انقلابی چیزی جز جمله بافی نیاموخته اند . ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمثابه پیشاهنگان جنبش نوین انقلابی ایمان داریم که مبارزات قهرمانانه خلق ما به تمامی تردیدها ، و سازشکاریها ، نقطه پایان خواهد نهاد و تمام کسانی که بنام خلق بر علیه منافع خلق حرکت میکنند را از صفوف خود خواهد راند .

" مرگ بر شاه دیکتاتور و حامیان  
امپریالیستش "

" پیروز باد جنبش مسلحانه "

هموطنان مبارز!

برای حمایت مادی و معنوی خود  
بآدرس زیر با سازمان ماتماس بگردید:

آدرس پستی

**P.O. Box 5101 - Moalla, Aden**

**People s Democratic Republic of Yemen**

آدرس بانکی

**National Bank of Yemen**

**P.D.R.Y., Aden, Steamer point**

**Account No. 58305**